

بمناسبت اول ماه مه 2019

«کارگران ایران متحد شوید»

بهروز ناصری

15 آپریل 2019

برافراشتن پرچم «کارگران ایران متحد شوید» بیش از گذشته ضرورت یافته است. امروزه، رودروئی و مبارزه کارگران بسیار فراتر از مبارزه صرفاً صنفی برای کسب حقوقهای معوقه یا علیه بیکاری فراتر رفته است.

مبارزه کارگران جهت کسب حقوقهای معوقه، علیه گرانی، علیه اخراج و علیه ناامنی اقتصادی و اجتماعی محیط کار کماکان بقوت خود باقی است. شرایط زندگی و کار کارگران بمراتب بدتر از گذشته شده است.

بعلاوه این وضعیت، بایست ویرانگریهای ناشی از سیل و زلزله را که کارگران و زحمتکشان در معرض شدید آن قرار گرفتند، را هم اضافه کرد. بر اثر سیلی که در هفته های اخیر در نقاط مختلف ایران در شمال و جنوب کشور جاری شد، صدها نفر کشته و زخمی شده و شهرها و روستاهای زیادی بر اثر سیل ویران شدند. سیل اخیر بیش از اینکه یک رویداد طبیعی تلقی گردد، بایست آنرا در سیاستهای ویرانگر و چپاولگرانه جمهوری اسلامی جستجو کرد. والا چگونه چندی پیش که مباحثات مربوط به انتقال آب شیرین به مناطق مختلف بی آب و خشکسالی و بی آبی به یکی از نگرانیهای جدی تبدیل شده بود، یکدفعه باران سیل آسایی می بارد که بطور غیر طبیعی بخش وسیعی از ایران را فرامیگیرد؟ چرا شبیه این سیل در کشورهای خاورمیانه نیامده و اکثراً سیل به ایران متمرکز شده است؟

جمهوری اسلامی بانی ویرانگر طبیعت و بوجود آمدن این سیل غیر طبیعی است. جمهوری اسلامی بجای کمک به سیل زدگان، نیروهای حشد شعبی مجهز به سلاحهای سنگین و زره پوش و تانک وارد مناطق سیل زده کرده است. این یعنی سرکوب اعتراضات مردم صدمه دیده بوسیله شاخه های درون و برون مرزی سپاه پاسداران.

طبقه کارگر و زحمتکش در ایران در وضعیت فوق العاده فلاکتبار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی و کار میکند. کارگران ایران بیش از همیشه به اتحاد و همبستگی نیاز دارند. اما طبقه کارگر ایران باز هم پراکنده است و یکی از ضعفهای اتحاد کارگری کنونی اینست که در این اتحادها از اتحاد فلان کارخانه یا شرکت مشخص که دست به اعتصاب یا تظاهرات میزنند، فراتر نمی روند. وقتی کارگران هفت تپه و کارگران فولاد اهواز دست به اعتصاب و تظاهرات قهرمانانه زدند و به خیابانها آمدند، ما در شهرهای دیگر ایران و در سطح سراسری شاهد اعتصابات و یا تحصن های همبستگی با کارگران هفت تپه و فولاد نبودیم.

با توجه به شرایط فلاکتبار شرایط کاری و زیستی کارگران،

با توجه به پراکندگی مبارزات کارگران ایران،

با توجه به سرکوبگری جمهوری اسلامی

و برای کسب حقوق مسلم کاری، سیاسی و اجتماعی کارگران

و برای اینکه کارگران ایران بتوانند علیه وضع موجود به تقابل موثر بپردازند و بتوانند اوضاع را به نفع خود و سایر زحمتکشان تغییر دهند، لازم و ضروری است تا کارگران ایران با اتحاد و همبستگی، خود را به قدرت متشکل ارتقاء دهند.

کارگر منفرد قدرتی نیست و نمیتواند هیچ معادله ای را تغییر دهد. این تنها کارگران متحد و متشکل هستند که از توان تغییر برخوردارند.

لذا دوره کنونی، دوره است که جا دارد پرچم پر افتخار «کارگران ایران متحد شوید» در جنبش کارگری ایران و در بین سازمانها و احزاب چپ، سوسیالیست و کمونیست برافراشته شود.

تلاش برای برافراشتن پرچم «کارگران ایران متحد شوید» عمیقاً سوسیالیستی و در راستای منافع سراسری کارگران ایران است.

تضاد کار و سرمایه در اشکال مختلف و در سطوح مختلف در جریان است. معمولاً سرمایه داران بر اساس منافع خویش، از این ظرفیت برخوردارند که در سطوح مختلف کارخانه ای، محلی، کشوری، فراکشوری و بین المللی سازمانهایی بوجود بیاورند که حافظ منافع آنان باشد. یعنی سرمایه داران و دول بورژوایی بر اساس منافعشان، سازمانهای کشوری و بین المللی بوجود آورده و منافع خود را دنبال میکنند.

مبارزات کارگران درست برعکس، تنها به سطح کارخانه و یا شرکت مربوطه محدود مانده است. این محدود ماندن مبارزات کارگران به سطح کارخانه و عدم ارتباط کارگران در سطح بزرگتر و سراسری تر در تضاد با جهانی شدن سرمایه و کار قرار دارد. سرمایه جهانی است، کار هم جهانی است. مبارزه و اتحادهای سرمایه داران و بورژواها جهانی و در سطوح مختلف روی میدهد، اما مبارزات کارگران از کارخانه و یا شرکت فراتر نمیرود. محدود ماندن مبارزات کارگران به کارخانه ای مشخص، نشانه و علامتی است برای نشان دادن تناقضاتی که در جبهه کار و جنبش کارگری وجود دارد.

تئوری و منطق سوسیالیستی این خوانش را به ما میدهد که کارگران مبارزات خود را از سطح پایه که همان کارخانه یا محل کار باشد شروع و آنرا به سطح محلی، کشوری و فراکشوری بسط و گسترش دهند.

تئوری و منطق سوسیالیستی به ما میگوید که کارگران ایران (در نتیجه کار و فعالیت آگاهانه) خود را متحد و متشکل کنند. همزمان، انترناسیونالیسم سوسیالیستی برای کارگران ایران، ابتداء در منزل خود و همسایگان معنی می دهد.

تئوری و منطق سوسیالیستی این خوانش را به ما میدهد که کارگران ایران به ساختن شبکه های کارگری با جنبش های کارگری کشورهای ترکیه، پاکستان، عراق، افغانستان و سایر کشورهای همجوار احتیاج دارند.

تنها از این مسیر است که کارگران ایران میتوانند دستاوردهای که در نتیجه مبارزاتشان بدست آورند، حفظ کنند. چون در نتیجه این روش و متد آگاهانه، آنان خود را به قدرت در منطقه ارتقاء میدهند.

انترناسیونالیسم سوسیالیستی برای کارگران ایران در مرحله اول در ایران و کشورهای پیرامونی است.

دهها هزار کارگر مهاجر برای کار به ایران مهاجرت کرده اند، چند میلیون افغانستانی ساکن ایران هستند، پرداختن به این بخش از جامعه کارگری، که جزو صدمه پذیر ترین بخش جنبش کارگری ایران هستند، در اساس وظیفه جنبش کارگری آگاه و سوسیالیست است. و کار و فعالیت در این عرصه عین فعالیت انترناسیونالیستی است.

تا زمانی که فعالین، آگاهان و رهبران جنبش کارگری در ایران نتوانند به وضعیت جنبش کارگری ایران سروسامان دهند، تا زمانی که این رفقا نتوانند برای بوجود آوردن شبکه های کارگری همبستگی و رفاقت کارگری در کشورهای همسایه ایران، کاری بکنند، نمی توانند در سطح بین المللی ایفای نقش نمایند. بویژه اینکه اتحادیه های کارگری در کشورهای اروپای غربی تحت سیطره سوسیال دموکراسی هستند.

لذا اولین کار کمونیستی در ایران، تلاش برای اتحاد و تشکیلابی کارگران ایران است. چنین تلاشی با پرچم «کارگران ایران متحد شوید» فرموله شده است.

حول شعار پایه ای و سوسیالیستی «کارگران ایران متحد شوید» ادراک و تصورات مختلفی وجود دارند. من در گذشته به این موضوعات پرداخته ام که اینجا بنا به اهمیت موضوع دوباره نقل قولی از نشریه الکترونیکی مبارزه طبقاتی شماره 20 می آورم. برای شماره بیست نشریه مبارزه طبقاتی سوالاتی را برای تعدادی از فعالین سیاسی فرستاده بودم که تعدادی به آن سوالات پاسخ دادند. سوالات و پاسخهای رفقا محمود صالحی، ناصر اصغری و سلام زیجی را در پایان ضمیمه مقاله می کنم. من در مقاله ی ضمیمه به نقد نظرات رفقا پرداخته ام.

اما آنچه مهم است یادآوری این نکته پایه ای و متدلوزیک است که شعار «کارگران ایران متحد شوید» یک شعار تقابلی و آلترناتیو شعار مادر «کارگران جهان متحد شوید» نیست. بلکه مکمل و زیرمجموعه آنست.

سوال کارشناسانه اینست که کارگران جهان چگونه و با چه مکانیسمی متحد می شوند؟ آیا کارگران جهان بصورت انفرادی یعنی هر کس از هر جا، با هم متحد می شوند؟ یا اینکه کارگران جهان ابتدا از طریق تشکلهای کشوری خود و سپس تشکیل انترناسیونال کارگری، متحد می شوند؟

فلسفه شعار و پرچم «کارگران ایران متحد شوید» بر این پایه استوار است که مکانیسم اتحاد بین المللی کارگران از طریق تشکلهای کارگری در کشورهای مختلف است. ابتدا کارگران بایست در هر کشوری متحد شده و تشکل سراسری خود بوجود بیاورند، سپس تشکلهای کارگران در کشورهای مختلف اقدام به تشکیل انترناسیونال کارگران نمایند. اتحاد کارگران جهان، تنها از طریق انترناسیونال کارگری میسر است. و اتحاد کارگران ایران و کشورهای همسایه در همین راستا است.

جنبش کمونیستی ایران بایست تلاش کند تا جدا از کلیشه برداری و درک جامد و جزم گرایانه از مبارزه طبقاتی، تغییراتی منطبق بر منافع کارگران در خود بوجود بیاورد.

در این اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که کارگران و زحمتکشان ایران در آن قرار دارند، با این همه فلاکتی که کارگران با آن دست به گریبانند، ضرورت «کارگران ایران متحد شوید» بیش از گذشته است.

کمونیستها بایست منطبقا مبلغ اتحاد کارگران در هر سطحی باشند. برافراشتن پرچم و شعار «اتحاد» که کارگران را در سطوح مختلف به سوی اتحاد و تشکیلابی سوق دهد، مثل «کارگران ایران متحد شوید»، «کارگران کردستان متحد شوید»، «کارگران هفت تپه و فولاد اهواز ... متحد شوید»، و... کاملاً درست و سوسیالیستی هستند. زیرا مبارزه کار علیه سرمایه در همه این سطوح وجود دارند.

آلترناتیو سوسیالیسم در ایران مستقیماً منوط به اینست که طبقه کارگر ایران و همه زحمتکشان تا چه اندازه با این آلترناتیو آشنا هستند؟ تا چه اندازه کارگران مستقیماً خواهان سوسیالیسم هستند؟ تحقق سوسیالیسم در ایران مستقیماً به درجه آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی کارگران وابسته است. کارگران و زحمتکشان در مقیاس میلیونی بایست پاسخ این سوالات ساده را داشته باشند که اعتراض شان علیه چه چیزی است؟ و میخواهند چه چیزی را بدست آورند؟ و تصور کلی آنان از سیستم اداره ی جامعه در عرصه ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به چه میزانی است؟

تلاش برای پاسخ به این سوالات در سطح اجتماعی، کار و فعالیت مستقیم سوسیالیستی است. به این اعتبار کمونیستها در ایران با وظایف بی نهایت سنگینی روبرو هستند. حال باز سوال دیگری که مطرح است اینست که جنبش کمونیستی احزاب و سازمانهای متعلق به این جنبش، تا چه اندازه در این سطح پایه ای کار کرده اند؟ و تا چه اندازه برای این مهم، یعنی کار و فعالیت آگاهگرانه و گسترش قواره سازمانی و حزبی، در داخل ایران و در میان کارگران و زحمتکشان کار سیستماتیک کرده اند؟

بیایید برای تدارک انقلاب کارگران و زحمتکشان علیه جمهوری اسلامی،

برای تغییر اوضاع به نفع کارگران و زحمتکشان،

جهت تلاش آگاهگرانه برای اتحاد و تشکیلی کارگران علیه وضع سرمایه دارانه موجود،

پرچم «کارگران ایران متحد شوید» را بر هر کوی و برزن و هر اعتراض و اعتصاب کارگری برافرازیم.

کارگران ایران متحد شوید!

ضمیمه:

بازتکثیر مطالبی از نشریه مبارزه طبقاتی شماره 20 در اکتبر 2014

این مطالب، یعنی سوال و پاسخهای رفقا محمود صالحی، ناصر اصغری و سلام زیجی و همچنین دفاعیه بهروز ناصری از شعار «کارگران ایران متحد شوید» در نشریه مبارزه طبقاتی شماره 20 منتشر شده است.

مبارزه طبقاتی می پرسد

رفیق ... با دروهای گرم،

میخواستیم که نظر شما را در مورد شعار «کارگران ایران متحد شوید» جویا شویم. وقتی شما این شعار را می شنوید، چه نظر یا عکس العملی در شما بوجود می آید.

طبیعی است که شعار تاریخی جنبش کارگری و سوسیالیستهای تاریخا «کارگران جهان متحد شوید» است. اما امروز با توجه به وضعیت زیست و مبارزاتی که طبقه کارگر در سطح بین الملل در آن قرار دارد، سوالات متعددی در رابطه با چگونگی متحقق شدن اتحاد جهانی طبقه کارگر بوجود می آید.

اولین سوال اینست که کارگران جهان با توسل به کدام مکانیسمها و استراتژی ها میتوانند در این مقیاس جهانی متحد شوند؟ راه کار عملی برای این اتحاد چیست؟

تحلیل در مورد وضعیت زندگی و مبارزه طبقه کارگر در ایران و کشورهای مختلف، و تفاوت بین سطح معیشت و مبارزه کارگران در کشورهای مختلف و همچنین در شرایط عدم فقدان یک انترناسیونال کارگری که حافظ و سخنگوی منافع کارگران در سطح جهانی باشد، این استنتاج را بدست داده است که بایست برای رسیدن به آن هدف بزرگ و تحقق کارگران جهان متحد شوید، زیر مجموعه هایبوجود بیاید که این شعار کلی را در سطح نقشه عمل ریز کند.

اولین مسئله اینست که کارگران در سطح جهان نمیتوانند به صورت انفرادی متحد شوند. مکانیسم اتحاد طبقه در سطح بین الملل تنها تشکل های سراسری کارگران است. مثلا در ایران، که طبقه کارگر فاقد تشکل سراسری و طبقاتی خویش است، اولین کار بزرگ تلاش و فعالیت و داشتن نقشه برای دامن زدن به نهضت تشکل سازی در محیط های کاری است، تا بستری بوجود بیاید تا تشکل سراسری از پایین و از سوی تشکل های کارگری در شهرهای مختلف (یعنی نمایندگان این تشکل ها) بوجود بیاید.

با این تعبیر، شعار «کارگران ایران متحد شوید» عنوان زیر مجموعه شعار مادر و تکمیل کننده آن عمل میکند. بعضا طرح این شعار مورد نقد قرار گرفته و اینطور القاء شده که چون بحث «ایران» را بطور مشخص طرح میکند، پس این شعار ناسیونالیستی است، یا اینکه این شعار آلترناتیو و جایگزینی برای

شعار «کارگران جهان متحد شوید» است. هرکدام از این نقدها در جای خود نادرست و تصویر وارونه ای از این موضوع بدست میدهند.

اگر کارگران ایران نتوانند متحد شوند، اگر کارگران متشکل فردای ایران نتوانند در ایجاد مناسبات کارگری و سوسیالیستی با کارگران کشورهای همسایه خود موفق شوند و نتوانند شبکه های همبستگی نیرومند تشکیل دهند.... کارگران جهان چگونه میتوانند متحد شوند؟

اولین قدم برای تامین اتحاد بین المللی کارگران اینست که کارگران در هر کشوری صاحب تشکل سراسری خود باشند. اگر این نباشد وضع موجود کماکان به همین شکل ادامه خواهد یافت.

نظر شما در مورد «کارگران ایران متحد شوید» چیست و چگونه این طرح را ارزیابی میکنید؟
با تشکر از پاسخ و شرکت شما در این بحث مهم.

به امید اینکه شعار «کارگران ایران متحد شوید» به پرچم مبارزاتی کارگران ایران تبدیل شود.

پاسخ محمود صالحی

شعار کارگران جهان متحد شوید، از مشهورترین شعارهای کمونیستی است. در واقع باید گفت این شعار بعد از تدوین و تصویب مانیفست کمونیست تمام مرزهای دستکرد سرمایه داری را از بین برده و امروز به شعار هر کارگر استثمار شده ای تبدیل شده است. شعار کارگران جهان متحد شوید، برای کارگران جهان یک شعار جدانشدنی از مبارزه طبقاتی آنان است. بنابراین تغییر این شعار به یک شعار کشوری یا منطقه ای غیر کمونیستی و غیر انترناسیونالیستی است. استراتژی طبقه کارگر تصرف قدرت سیاسی و اقتصادی کل جهان سرمایه داری است. بورژوازی در هر کشوری منافع ویژه خاص خود را دارد. اما طبقه کارگر در سراسر جهان منفعتی واحد، دشمنی واحد و پیکاری واحد دارند. اما برای همه ما روشن و آشکار است که ابتدا طبقه کارگر هر کشوری باید با بورژوازی کشور خود تصفیه حساب کنند.

اگر امروز تعدادی از انسانهای انقلابی و مسئول به دنبال یک تاکتیک جهت ارتقا دادن به جنبش کارگری ایران هستند، این قابل احترام است. اما باید این را در نظر بگیرند که آیا با تغییر دادن شعار کارگران جهان متحد شوید و به جای آن کارگران ایران متحد شوید، طبقه کارگر ایران از مشکلاتی که امروز به آن دچار شده خلاصی می یابد؟!

من در واقع نمی دانم طرح این شعار (کارگران ایران متحد شوید) برای چیست و با این شعار می شود چه چیزی را تغییر داد. اگر برای این باشد که به طبقه کارگر ایران خدمت کنند، از بانیان این شعار نهایت تشکر را داریم. من بعنوان یک کارگر از تغییر شعار کارگران جهان متحد شوید و جایگزین کردن آن با کارگران ایران متحد شوید مخالف هستم. چون ما می خواهیم هم جهانی فکر کنیم و هم جهانی مبارزه کنیم و استراتژی مبارزه طبقه کارگر هم جهانی است. از سوی ما می دانیم که عده ای از فعالان کارگری به اتکا به آن شعار جهانی، عملاً هیچ گونه تاثیر مثبتی در مبارزه امروز طبقه کارگر ایران ندارند. اگر آن افرادی که امروز در خارج از ایران زندگی می کنند و به شعار کارگران جهان متحد شوید، اعتقاد و باور دارند. باید در میان کارگران کشورهای که آنان مقیم آن هستند یک اتحاد مستحکم را تا این لحظه به وجود آورده باشند. اما ما می دانیم که چنین نیست و دوستان عزیز وقتی فراخوان می دهند تا اینکه از کارگران ایران حمایت کنند در روز معین تنها تعدادی در آن مراسم ها شرکت می کنند و آن شرکت کنندگان هم ایرانی هستند.

همه ما می دانیم که در ایران تشکیل هر گونه تشکل، انجمن، سندیکا، شورا و کانونهای کارگری ممنوع است. حتی دولت برای آن دسته از تشکلهای که با مجوز خود دولت تشکیل می گردد به آنان اجازه نمی دهد تا اساسنامه ای که توسط دولت در اختیار آنان قرار دادند، تغییر دهند.

اگر ما به چند سال گذشته نگاهی هر چند کوتاه داشته باشیم خواهیم دید که همان کمیته ها و دو تشکلی که (شرکت واحد و هفت تپه) تشکیل شدند. در واقع هیچ کدامشان در جامعه ای که 30 میلیون نفر کارگر وجود دارد نتوانسته اند مطالبات کارگران را به سر سفره آنان انتقال دهند. اگر ما فعالیت روز مره کمیته ها را ارزیابی کنیم خواهیم دید که این کمیته ها هیچ کدامشان در قلب محیط های کار و زیست طبقه کارگر تشکیل نشده اند و تشکیل دهندگان این کمیته ها تنها جمعی از فعالان عرصه جنبش کارگری هستند. دو تشکل مورد بحث هم ما می دانیم که حتی نمی توانند مجمع عمومی سالیانه خودشان را تشکیل دهند.

تشریح این وضعیت به آن معنا نیست که ما از وضعیت موجود نا امید باشیم و نظاره گر اتفاقات بمانیم. بلکه ما باید با تمام توان و قدرتی که در اختیار داریم (در این شرایط) به طبقه کارگر و جنبش طبقاتی آن طبقه کمک کنیم تا اینکه بتوانند تشکل های خود را تشکیل دهند. متحد شدن در تشکل های کارگری خود ساخته کارگران، رسیدن به اهداف را سریع تر خواهند کرد. بنابراین ما باید به دنبال برون رفت از وضعیت موجود باشیم که جنبش کارگری ایران امروز دچار آن است.

ما کارگران و کسانی که به طبقه کارگر باور دارند و مبارزه طبقاتی را انتخاب کردند، به دنبال اتحاد و یک بارچگی طبقه کارگر ایران هستیم و شبانه روز در این را مبارزه و برای این مبارزه هزینه های سنگینی به پیشگاه جنبش طبقه کارگر اهدا کردیم. ما امروز به دنبال متحد کردن طبقه کارگر و اتحاد بین کمیته های هستیم که در چند سال گذشته تشکیل شدند.

از سوی دیگر کارفرما و حامیان آنان صف آرای کردند و مجهز به تمام امکانات سرکوب هستند تا هر گونه صدای حق طلبی کارگران را در گلو خفه کنند. این سرکوب ها برای یک جنبش که نه دارای تشکل طبقاتی خود است و هم از نظر مالی مشکلات عدیده ای دارد، سنگین است. صدای هر گونه اعتراض کارگری در ایران برابر است با سرکوب. اما تا این لحظه که من با شما صحبت می کنم ، این سرکوبها نتوانسته طبقه کارگر ایران را مرعوب کند.

خلاصه اگر شعار کارگران ایران متحد شوید، جایگزین کارگران جهان متحد شوید باشد، من به شخصه با آن مخالفم و اما اگر این شعار برای رسیدن طبقه کارگر به اهداف خود به عنوان یک تاکتیک استفاده شود مشکلی نمی بینم.

زنده باشید محمود صالحی 93/7/6 ساعت 5 صبح

پاسخ ناصر اصغری

اجازه می خواهم که نکات متعددی را که در این یادداشت فرستاده اید یک به یک بررسی کنم.

اولین سؤال این است که وقتی که شعار "کارگران ایران متحد شوید" را می شنوم، چه نظر یا عکس العملی در من بوجود می آید؟ این شعار برای من جدید است. اولاً کلمه "ایران" بجای "جهان" در شعار کلاسیک مارکسیستی، "کارگران جهان متحد شوید!" نشسته است؛ که به نظر می آید تأکیدی است بر جغرافیای ایران. کسی که با این شعار مواجه می شود، مگر توضیحاتی همراه باشد، شاید به این نتیجه برسد که گوینده اش دارد خودش را در تقابل با مارکسیسم و مانیفست مارکس تعریف می کند که به خودی خود هیچ ایرادی ندارد.

پائین تر گفته اید که "بعضاً طرح این شعار مورد نقد قرار گرفته و اینطور القاء شده که چون بحث "ایران" را بطور مشخص طرح میکند، پس این شعار ناسیونالیستی است..." این می تواند یک گرایش دیگر در جنبش کارگری را در ذهن تداعی کند، اما الزاماً نمی شود ناسیونالیسم را از آن استنتاج کرد. من نمی دانم چه کسی شنیدن نام "ایران" را با "ناسیونالیسم" قاطی می کند. درک کسی که چنین نقدی از شعار شما دارد، از ناسیونالیسم نادقیق است که وارد شدن به این بحث اینجا ضرورتی ندارد. ما کمونیستهایی هستیم که در کشور مشخصی به نام ایران فعالیت کمونیستی می کنیم و نام احزاب مان هم اسم ایران را یدک می کشند.

ناسیونالیسم گرچه یک جنبش قوی در جوامع امروزی است، اما در جنبش کارگری ناسیونالیسم خودش را با قومی گری نشان نمی دهد. امروزه ناسیونالیسم در جنبش کارگری خودش را بیشتر با پروتکشنیسم تعریف می کند تا با کلمات.

سؤال دیگری در رابطه با شعار "کارگران جهان متحد شوید!" مطرح می کنید که: "طبیعی است که شعار تاریخی جنبش کارگری و سوسیالیستها تاریخاً "کارگران جهان متحد شوید!" است. اما امروز با توجه به وضعیت زیست و مبارزاتی که طبقه کارگر در سطح بین الملل در آن قرار دارد، سوالات متعددی در رابطه با چگونگی متحقق شدن اتحاد جهانی طبقه کارگر بوجود می آید. اولین سوال اینست که کارگران جهان با توسل به کدام مکانیسمها و استراتژی ها میتوانند در این مقیاس جهانی متحد شوند؟ راه کار عملی برای این اتحاد چیست؟" من یک چنین درکی از شعار "کارگران جهان متحد شوید!" ندارم. شعارها می توانند اعلام یک موضعگیری باشند. "کارگران جهان متحد شوید!" شعار کمونیستهاست که بر چند نکته مهم تأکید دارد. اول اینکه کارگران در تشکلهای خودشان متشکل و متحد شوند. دوم کارگران ورای منافع صنفی، منافع طبقاتی مهمتری برای رهایی واقعی دارند. سوم کارگران کشورهای مختلف با همدیگر منافع مشترک بیشتری دارند تا با دیگر اقشار و طبقات در چهارچوب کشور خاصی. وقتی که مارکس و انگلس بحث "کارگران جهان متحد شوید!" را در مانیفست کمونیست اعلام می کردند، منظورشان چیزی که شما در این سؤال مطرح کرده اید نبود. داشتند یک افق را اعلام می کردند که به نظر من هم به شعار فوق باید از این زوایه نگاه کرد.

استنتاج دیگری که از این تحلیل می شود کرد این است که در برابر این تحلیل که تا کارگران در سطح جهان متحد نشوند، در سطح محلی هم نمی توانند متحد بشوند مرزبندی می کنید. من اطلاع ندارم که کسی این موضوع را اینچنین فرمولبندی کرده باشد. در سطح بین المللی هستند کسانی که در مقابل بحث ناسیونالیستی استالین پیچیده در زورق "سوسیالیسم در یک کشور"، با استنتاجات بورژوائی از پلیمیکهای تروتسکی و اپوزیسیون "چپ" درون حزب بلشویک، بحث انقلاب جهانی را مطرح می کنند و به این نتیجه می رسند که سوسیالیسم یک امر جهانی است و نمی شود سوسیالیسم را در یک یا دو کشور پیاده کرد. اینها در واقع تلاش کارگران برای رهایی در چهارچوب کشوری را تلاشی بیهوده

می‌دانند. هیچ دو کارگری که مسئله نان دارند اینها را جدی نگرفته‌اند و من توصیه‌ام این است که شما هم جدیشان نگیرید. بحث مارکس و کلا کمونیستها از "کارگران جهان متحد شوید!" همانی است که بالاتر خدمتتان عرض کردم.

نوشته‌اید: "تحلیل در مورد وضعیت زندگی و مبارزه طبقه کارگر در ایران و کشورهای مختلف، و تفاوت بین سطح معیشت و مبارزه کارگران در کشورهای مختلف و همچنین در شرایط عدم فقدان یک انترناسیونال کارگری که حافظ و سخنگوی منافع کارگران در سطح جهانی باشد، این استنتاج را بدست داده است که بایست برای رسیدن به آن هدف بزرگ و تحقق کارگران جهان متحد شوید، زیر مجموعه‌هایی بوجود بیاید که این شعار کلی را در سطح نقشه عمل ریز کند." یعنی استنتاج شما این است که در فقدان یک انترناسیونال کارگری، شعار "کارگران ایران متحد شوید" و یا "کارگران لهستان متحد شوید" زیر مجموعه شعار "کارگران جهان متحد شوید!" می‌باشند. به نظر من این استنتاج درست نیست. بالاتر عرض کردم که شعار "کارگران جهان متحد شوید!" چه معنایی برای کارگران دارد. اما این تحلیل به نظر می‌آید بر این مشاهده سوار است که در وجود یک انترناسیونال کارگری، سازمان‌های کارگری در هر کشوری زیر مجموعه انترناسیونال بین المللی کارگران هستند. انترناسیونال کارگری یک سازمان کارگری است که سیاستهای کلی برای طبقه کارگر می‌ریزد و سازمان‌های کشوری هم بنابه شرایط کشوری دنبال آن سیاستها را می‌گیرند. شعار "کارگران ایران متحد شوید" چنین کارکردی را ندارد. یک شعار است که استنتاج گوینده این است که این شعار توان متحد کردن کارگران را دارد، که ندارد. کسی که خود را متعلق به گرایش "کارگران جهان متحد شوید!" بداند، بدون اینکه شعار دیگری ابداع کند، می‌رود کارگران را حول مسائل حاد پیش روی جنبش کارگری متحد می‌کند. حول پرداخت دستمزدهای معوقه. حول آزادی تشکل. حول افزایش دستمزد و هزار و یک مطالبه دیگر.

گفته‌اید: "اولین مسئله اینست که کارگران در سطح جهان نمیتوانند به صورت انفرادی متحد شوند. مکانیسم اتحاد طبقه در سطح بین الملل تنها تشکلهای سراسری کارگران است. مثلاً در ایران، که طبقه کارگر فاقد تشکل سراسری و طبقاتی خویش است، اولین کار بزرگ تلاش و فعالیت و داشتن نقشه برای دامن زدن به نهضت تشکل سازی در محیط های کاری است، تا بستری بوجود بیاید تا تشکل سراسری از پایین و از سوی تشکل های کارگری در شهرهای مختلف (یعنی نمایندگان این تشکل ها) بوجود بیاید." و پائین تر هم می گوید: "اولین قدم برای تامین اتحاد بین المللی کارگران اینست که کارگران در هر کشوری صاحب تشکل سراسری خود باشند. اگر این نباشد وضع موجود کماکان به همین شکل ادامه خواهد یافت." استنتاج من از این تحلیل این است که شعار "کارگران ایران متحد شوید" راه میانبری است به متشکل شدن کارگران. اما متأسفانه یک چنین راهی وجود ندارد. برای متشکل کردن کارگران در هر کشوری و از جمله در ایران، فعالین کارگری و احزاب کارگری باید طرح‌های مشخص عملی لازم را بریزند که بتوانند فعالین و رهبران کارگری را حول مسائل عاجل جلوی پای توده کارگران متحد کنند. باید با نقشه عمل‌های مشخص بتوانند اعتراضات پراکنده را به هم متحد کنند. من فکر نمی‌کنم که با یک شعار چنین چیزی به دست آید.

در جنبش کارگری ایران بدون تغییر شعار "کارگران جهان متحد شوید!" به شعار "کارگران ایران متحد شوید"، که ظاهراً نظر شما هم چنین نیست و یا ابداع شعار دیگری، شعار کارگران و فعالین کارگری "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!" بوده است. کسی شاید به درست بگوید که شعارهای "کارگران جهان متحد شوید!" و "چاره رنجبران

وحدت و تشکیلات است!" راه گشا نبوده و باید شعار دیگری مثل شعار "کارگران ایران متحد شوید" گذاشت. از ملزومات این کار یکی این است که شعارهای فوق نقد شوند و نشان داده شود که این شعارها کارآمد ندارند و یا سد راه متحد شدن کارگران بوده اند. منظورم این نیست که شما چنین چیزی را گفته اید. بلکه منظورم این است که حتی بطور ضمنی، این به خواننده القاء می شود که حتما شعارهای فوق در نظر گوینده شعار تازه، دیگر کارآمد ندارد و باید بخاطر شعار تازه کنار گذاشته شوند.

مهمتر اینکه طبقه کارگر، بخصوص در سطح رهبران و فعالین کارگری، یک توده یکدست نیستند. گرایشات متفاوتی راه حل و نقشه عملهای متفاوتی را جلو می کشند. واضح است که هر گرایشی کارگران را برای اهداف سیاسی متفاوتی می خواهد متشکل کند و به صحنه بیاورد. در همین ایران گرایشی هست که می خواهد کارگران را پشت سر موسوی و کروی بکشد. گرایش دیگری هست که می خواهد کارگران را برای خلاصی از این وضع متحد و متشکل کند. یکی می گوید اگر جمهوری اسلامی به دست موسوی بیافتد، کشور دارای قانون می شود و این قانونمداری می تواند به نفع کارگران تمام شود. و شما همین طنین را در صف تعدادی از سازمان ها و محافل چپ در خارج کشور هم می بینید.

شعار "کارگران جهان متحد شوید" نه تنها مخالفتی با متحد شدن کارگران ایران ندارد، و شعار گرایشی سوسیالیستی در درون جنبش کارگری است، بلکه بیشترین تلاش را تاکنون همین گرایش برای متحد کردن کارگران به عمل آورده است. اگر از کارگران بخواهیم که این شعار را به نفع شعار دیگری که ظاهرا این شعار مانع متشکل شدن کارگران در این برهه از تاریخ است بشویم، داریم از کارگران می خواهیم که تفاوت گرایشات درون جنبش کارگری را زیر فرش کنند. این برای آزادی واقعی کارگران سم است.

پاسخ سلام زیجی

۱- نظر شما در مورد شعار کارگران ایران متحد شوید چیست؟

سلام زیجی: اینکه در چه بستری و برای چه هدفی شما شعار "کارگران ایران متحد شوید" را طرح میکنید و چه نتیجه ای از آن میگیرید میتواند هم از نظر محتوا و هم جایگاه و بار سیاسی-طبقاتی که به آن داده میشود بسیار متفاوت باشد. در جریان مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر و به مناسبت اعتراض و اعتصاب در یک رشته و کارخانه و جغرافیای مشخصی میتوان به منظور تامین اتحاد کارگران درگیر در آن اعتصاب و کارخانه، یا در سطح یک شهر و منطقه معینی خواست و شعار "کارگران آن کارخانه یا شهر و منطقه معین متحد شوند" را مطرح کرد و لازم هم هست. مثلا "کارگران نیشکر هفت تپه متحد شوید"، کارگران پتروشیمی متحد شوید، کارگران استان تهران متحد شوید" و... به همین ترتیب و در این چهار چوب به مناسبتهای معینی در سطح کل کشور نیز ممکن است از شعار "کارگران ایران متحد شوید" استفاده کرد. برای مثال "کارگران ایران علیه حداقل دستمزد تحمیل شده دولت و شورای عالی کار و کارفرما متحد شوید"، علیه بیکارسازیها متحد شوید، برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود متحد شوید و الی الاخر. در نتیجه بر بستر چنین مبارزه ای و برای چنین اهدافی مشخصی، همچنانکه متحد شدن کارگران یک مرکز تولیدی و صنفی را خواهان هستیم، در بعد سراسری نیز و در مواردی که حرکت های سراسری و کشوری کارگران حول مطالبات مشترک کل طبقه

در جریان باشد، یا اینکه کل طبقه را علیه سیاستهای دولت و طبقه حاکمه فرا میخوانید، استفاده از شعار "کارگران ایران متحد شوید" نه تنها ایرادی ندارد، لازم هم هست.

اما چنانچه هدف و منظور از طرح "شعار کارگران ایران متحد شوید"، فراتر از چهار چوبی باشد که بدان اشاره کردم، اگر مسئله بر سر باز بینی حول "کارگران جهان متحد شوید" است، بحث بر سر "تلاش" برای جایگزین کردن، شعار "کارگران ایران متحد شوید" به عنوان یک اصل و هویت کارگر "ایرانی" با شعار شناخته شده بین المللی "کارگران جهان متحد شوید" است، آن را تلاشی ناموفق و در عین حال بی ربط به امر مبارزه و سنت و همبستگی جهانی و طبقاتی کارگران میدانم و با آن مخالف هستم. در پی چنین هدف و تصویری اصلاً کل صورت مسئله هویت طبقاتی- بین المللی طبقه کارگر و کمونیسم مخدوش خواهد شد. در واقع خصلت جهانی مبارزه طبقاتی و رسالت کمونیستی و کارگری طبقه کارگر علیه بورژوازی، که تماماً خصلت جهانی دارد، فدای "نظریه پردازی" کوتاه بینانه و داستان شناخته شد و قدیمی "اول مبارزه در کشور خود" یا "سوسیالیسم در یک کشور" خواهد شد. در پی چنین تلاشی، مستقل از نیت طرح کننده، قبل از هر چیزی رسالت طبقاتی و جهانی جنبش سوسیالیستی کارگری، از جمله در ایران، که متکی به همبستگی جهانی طبقه کارگر و نفی کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است عملاً حاشیه ای خواهد شد و کنار گذاشته میشود.

اگر کسی امروز بطور کلی و بدون توجه به نکاتی که در ابتدا گفتم، خواهان جایگزینی شعار "کارگران ایران متحد شوید" با "کارگران جهان متحد شوید" باشد، دیر یا زود و در تند پیچ بعدی با همان "منطق" خواهان جایگزینی "کارگران کردستان متحد شوید"، یا "کارگران آذربایجان متحد شوید" با همین "کارگران ایران متحد شوید" کنونی خود نیز خواهد شد. شعار "کارگران جهان متحد شوید" انترناسیونالیسم کارگری و منفعت و مطالبه و درد و رنج و مبارزه طبقاتی مشترک کل طبقه را نمایندگی و فرموله کرده است. هر شکلی از تغییر پایه آن و تقلیل دادن و جایگزینی شعار بین المللی کارگری، به سطح "اتحاد کارگران کشور" و آن هم در قالب "منفعت کارگر" صورت بگیرد نه تنها به اتحاد کارگری در آن کشور معین کمکی نمیکند بلکه آنرا به مسیر محدود نگرانه، باب طبع ناسیونال-رفرمیست ها، و دور کردن کارگر از سنت ها و نقطه قدرتهایی که اتفاقاً دولت و بورژوازی هر کشوری بدنبال آن است سوق میدهد. این میتواند شروع پروسه ایی باشد برای پایان دادن به خصلت انترناسیونالیستی و محروم کردن کارگران از همبستگی طبقاتی بین المللی و تضعیف افق و آرمان کمونیستی و سوسیالیستی طبقه کارگر. کارگر به حکم موقعیت اجتماعی و طبقاتی اش، به حکم ضدیتش با سرمایه، اگر چه ناچار است همزمان در زمین بازی کشوری بجنگد اما همین جنگ محلی اش نیز تماماً به بیرون مرزهای کشوری مرتبط و با بقیه کارگران کشورهای دیگر هم سرنوشت است.

از بحران و بیکار سازی گرفته تا مبارزه برای تعیین میزان دستمزد و حق تشکل تا نفس امر مبارزه روزمره طبقاتی برای سرنگونی بورژوازی و مناسبات حاکم طبقاتی مطلقاً به تنهایی و صرفاً از مسیر نبرد های طبقاتی محلی و کشوری نمی گذرد. اما همچنانکه توضیح دادم در هر کشوری طبقه ما هم مطالبات معین مربوط به آن کشور را مطالبه میکند و هم با ویژگی های خاصی در برخورد به دولت و قوانین و شرایط کار روبرو هست. اما این مبارزات در کلیت خود مجزا و بی ربط به کل مبارزه طبقه کارگر با سرمایه داری در بیرون مرزهای کشور نیست. این واقعیت بدیهی برای بورژوازی هر کشوری نیز در تقابل با مبارزات کارگری و جنبش کمونیستی آن طبقه صدق میکند. اگر شعار "کارگران جهان متحد شوید" در اوایل عروج نظام سرمایه داری و صد سال پیش محمل اتحاد و مبارزه بین المللی کارگر و خیزشهای بزرگ کارگری و عقب راندن بورژوازی در اروپا و دیگر مناطق بود، زمینه ساز انترناسیونالیسم بین المللی

بود، و همچنین محرکه قدرت گیری بلشویکها بود، اتکا کردن کمونیستها و کارگران به این شعار در جهان امروز سرمایه داری پیشرفته بطریق اولی صد چندان ضروری شده است.

۲- مکانیسم اتحاد بین المللی کارگران در شرایطی که طبقه کارگر فاقد انترناسیونال کارگری خویش است، چیست؟

سلام زیجی: در غیاب یک جنبش گسترده و بانفوذ کمونیسم کارگری، طبقه کارگر، اتحادیه ها و تشکل های موجود کارگری، با وجود تمام اهمیتی که دارند، عملاً از ابراز وجود سیاسی مستقل و قدرتمند کارگری در چهارگوشه جهان بازماند اند. بعد از شکست انقلاب اکتبر و در ادامه با فرو ریختن بلوک شرق، که سرمایه داری آنرا "شکست کمونیسم" جاز زد، نه تنها موقعیت جهانی طبقه کارگر و شعار "کارگران جهان متحد شوید" ضعیف تر و از نظر عملی دست خوش تحول گردید بلکه نفس جنبش کمونیستی و آرمانهای آزادیخواهانه که هدفش بر چین بساط سرمایه و برقراری سوسیالیسم و حکومت کارگری بود، دستخوش تحولات ویرانگری به زیان طبقه کارگر گردید. خیلی ها قربانی شدند، خیلی ها لباس ملی گرایی و نژاد پرستی و حتی مذهبی پوشیدند و این پروسه هنوز هم ادامه دارد. خیلیها به فراخوان دموکراسی و بازار آزاد و ترفندهای جدید سرمایه داری دل بسته اند و به ان لیبیک گفته اند. این روند پیروزی سرمایه داری بر ارزشهای انسانی و تلاش و خواست همیشگی کارگر و بشریت متمدن مبنی بر مطالبه آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی جامعه بشری بود. در اروپای غربی و آمریکا و در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین کارگران در دست جنبش اتحادیه ایی و احزاب جناح چپ طبقه حاکمه بویژه سوسیال دموکراسی، رها شده اند تا جایی که حتی در دید بخش وسیعی از کارگران بعنوان ظرف و بستر طبیعی و بدیهی جنبش کارگری تلقی شدند. این ویرانه و روند منفی هنوز هم مانع جدی بر سر راه مبارزه طبقه کارگر و اتحاد بین المللی آن است.

در نتیجه از نظر من حلقه کلیدی دستیابی به "اتحاد بین المللی کارگری" بدو در گرو عروج مجدد کمونیسم کارگری است. کمونیسمی که مانیفیست کمونیست آنرا منشا مبارزه کارگران و جنبش سوسیالیستی کارگری قرار داده. کمونیسمی که هویت و پراکتیکش بر بستر تلاش بی وقفه برای اتحاد بین المللی کارگران معنی پیدا میکند و متکی به افق و آرمان سرنگونی نظام سرمایه داری است. این در گرو بدست گرفتن مجدد آموزه های مارکس از جانب رهبران کارگری و کمونیستهای این دوره است، در گرو ایجاد احزاب کمونیستی معتبر و پر نفوذی است که در معادله سیاسی جهان امروز توان تغییر تناسب قوا را داشته باشند، توان بیرون آوردن کارگران و اتحادیه های کارگری از دست جناح چپ طبقه حاکمه و سوسیال دموکراسی را داشته باشند. توان بسیج جامعه و مسلح کردن آنها را برای مقابله با یورش سرکوبگرانه دولت و بورژواها را داشته باشند. جنبش و کمونیسم و کارگرانی که نشان میدهند توان کسب قدرت و تغییر اوضاع را دارند و آمادگی مقابله جدی با سرکوبگران و دارندگان ارتش و زندان و پلیس را دارند. بنظر من تنها با گسترش چنین روندی است که میتواند به اتحاد واقعی کارگر هم در سطح جهانی و هم "محلی" منجر شود و کارگر قدرت و حرمت و نقش تعیین کننده خود در تغییر جهان را باز یابد.

امروز در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری تنها در ازاء دادن آوانس هایی بسیار جزئی و آنهم صرفاً اقتصادی به کارگران در محیط کار، بی حقوقی سیاسی وسیعی را در مقیاس اجتماعی به طبقه کارگر تحمیل کرده اند. کارگر را از سیاست و از رسالت تاریخی که بزرگ کشیدن دشمن طبقاتیش است به درجه زیادی دور نگاهداشته اند. رفرمیستها و سوسیال دموکراتها پیشقراولان این صف ضد کارگری در خدمت به سرمایه داری هستند. در کشورهای مانند ایران و

بخش اعظم کشورهای عقب مانده تر و متکی به استبداد، برای کارگران حتی نفس ایجاد احزاب کمونیستی و نهادهای کارگری و مستقل به آرزوهای سرکوب شده ایی تبدیل شده است. امروز سازمان جهانی کار "ای ال او"، گویا ارگان "بین المللی" کارگران و مرجع رسیدگی به مسائل کارگران جهان است. میخوام تاکید کنم که مکانیزم اتحاد جهانی کارگران از راه کنار زدن این موانع، تشکیل احزاب و تشکلهای کارگری و کمونیستی و ایجاد تحرک در مبارزه هدفمند سیاسی و ضد سرمایه داری کارگران می گذرد.

با بیان واقعیتهای فوق خواستم تاکید کنم که بدوا باید موانع را شناخت تا بتوان راه حل و ابزار واقعی مادیت دادن به شعار "کارگران جهان متحد شوید"، را فراهم کرد. همچنانکه گفتیم مهمترین آن عروج مجدد کمونیسم مارکس، ایجاد احزاب کمونیست کارگری که بتوانند بخش قابل توجهی از طبقه کارگر پیشرو و تشکلهای موجود کارگری جهان را تحت هژمونی خود قرار داده باشد، است. هر نوع اتحاد بین المللی کارگری باید منجر به تضعیف و عقب نشینی بیشتر سرمایه داری گردد، هر نوع انترناسیونالیسم کارگری و عروج مارکسیسم باید همراه باشد با افسار زدن بیشتر قدرت بورژوازی و ارگان ایدئولوژیکی دینی و ملی آن و نهایتا تشکل کارگری و حزب کمونیستی و اتحاد بین المللی کارگری را به این منظور می خواهیم. این نیاز فوری و مبرم مبارزه طبقاتی کارگران و کمونیستهای این طبقه است که بر ویرانه های جهان نابرابر و غیر انسانی حاکم میخ پرچم سرخ انسانیت و حکومت کارگری و سوسیالیسم را بر تابوت سرمایه داری بکوبد. ما چپ بورژوا یا رفرمیست های شیفته بورژوازی "خوب" و "خودی" یا اصلاح طلب نیستیم که اتحاد بین المللی و کشوری کارگر و نفس فعالیتهای کارگری خود را نیز برای اصلاح همین سرمایه داری و به منظور تامین "آرامش" در کارخانه و کاهش اصطکاک بین کارگر و کارفرما تعریف کرده باشیم. ما مانند این دوستان دروغین طبقه کارگر، کارگر را از کمونیسم خود و از امر اجتناب ناپذیر انقلاب کارگری و "خشونت" رم نمیدهیم و آنها را از توسل به آن منع نمکنیم.

ما خواهان فوری بزرگشیدن قدرت و حاکمیت سرمایه داری با هر شکل و رنگ و فرمی که به خود گرفته هستیم، نظام سرمایه نظامیست سراپا جنایت و مبتنی بر استثمار و نابرابری و تحمیل جنگ و خونریزی به مردم در اقصی نقاط دنیا. برای بشریت متمدن امروز نظامهای حاکم موجود با اعمال جنایتکارانه و تحمیل استثمار و نابرابری ننگ آور و نفرت انگیز است. از نظر من اگر بتوانیم این افق و آرمان و جنبش طبقاتی و اجتماعی را در ابعاد گسترده جهانی و منطقه ای به امروالویت فوری کمونیستها و طبقه کارگر تبدیل کنیم، هم "اتحاد بین المللی کارگران" را تامین کرده ایم هم ملزومات ایجاد یک "انترناسیونال بزرگ کارگری و کمونیستی".

۷ اکتبر ۲۰۱۴

در دفاع از شعار «کارگران ایران متحد شوید»

بهروز ناصری

اکتبر 2014

همچنانکه خوانندگان گرامی ملاحظه میکنند، در این شماره سؤالاتی در زمینه «کارگران ایران متحد شوید» و «مکانیسم و چگونگی اتحاد بین المللی کارگران» طرح شده است. این سؤالات برای تعدادی از رفقا و فعالین ارسال شده بود که در این شماره پاسخ سه تن از رفقا: محمود صالحی، ناصر اصغری و سلام زیجی را مشاهده مینمایید.

امید است که چنین مباحثاتی که مستقیماً به سرنوشت، زندگی و مبارزه طبقه کارگر مربوط است، مورد توجه، نقد و بررسی هر چه بیشتر فعالین سیاسی و کارگری قرار گیرد.

من در این مقاله تلاش میکنم که خیلی مختصر تناقضات پاسخهای دریافتی را متذکر شده و مستدل کنم که چرا رفقا اشتباه میکنند.

ابتدا اشاراتی به نکات کلیدی در بحث رفقا داشته باشم.

محمود صالحی مینویسد:

«... شعار کارگران جهان متحد شوید، برای کارگران جهان یک شعار جدانشدنی از مبارزه طبقاتی آنان است. بنابر این تغییر این شعار به یک شعار کشوری یا منطقه ای غیر کمونیستی و غیر انترناسیونالیستی است. استراتژی طبقه کارگر تصرف قدرت سیاسی و اقتصادی کل جهان سرمایه داری است. بورژوازی در هر کشوری منافع ویژه خاص خود را دارد. اما طبقه کارگر در سراسر جهان منفعتی واحد، دشمن واحد و پیکاری واحد دارند. اما برای ما روشن و آشکار است که ابتدا طبقه کارگر هر کشوری باید با بورژوازی کشور خود تصفیه حساب کنند...»

رفیق صالحی در ادامه سوال میکنند که: «... آیا با تغییر دادن شعار کارگران جهان متحد شوید و به جای آن کارگران ایران متحد شوید، طبقه کارگر ایران از مشکلاتی که امروز به آن دچار شده خلاصی می یابد؟!»

«من در واقع نمیدانم طرح این شعار (کارگران ایران متحد شوید) برای چیست و با این شعار میشود چه چیزی را تغییر داد...» «... چون ما میخواهیم هم جهانی فکر کنیم و هم جهانی مبارزه کنیم و استراتژی مبارزه طبقه کارگر هم جهانی است...»

یا ناصر اصغری بعد از نادرست دانستن شعار کارگران ایران متحد شوید بعنوان یکی از زیر مجموعه های شعار اصلی کارگران جهان متحد شوید، در بخش مربوط به مکانیسمها مینویسند که:

«... استنتاج من از این تحلیل این است که شعار "کارگران ایران متحد شوید" راه میانبری است به متشکل شدن کارگران. اما متأسفانه یک چنین راهی وجود ندارد. برای متشکل کردن کارگران در هر کشوری و از جمله در ایران، فعالین کارگری و احزاب کارگری باید طرح های مشخص عملی لازم را بریزند که بتوانند فعالین و رهبران کارگری را حول مسائل عاجل جلوی پای توده کارگران متحد کنند. باید با نقشه عمل های مشخص بتوانند اعتراضات پراکنده را به هم متحد کنند. من فکر نمیکنم که با یک شعار چنین چیزی به دست آید...» یا «... اگر از کارگران بخواهیم که این شعار را به نفع شعار دیگری که ظاهراً این شعار مانع متشکل شدن کارگران در این برهه از تاریخ است بشیم، داریم از کارگران میخواهیم که تفاوت گرایشات درون جنبش کارگری را زیر فرش کنند. این برای آزادی واقعی کارگران سم است»

یا سلام زیجی که پاراگراف اول را خوب شروع میکند، این خوبیت اش را فوری متوقف کرده و با تناقض پاسخ هایش را ادامه میدهد:

«... اما چنانچه هدف و منظور از طرح "شعار کارگران ایران متحد شوید"، فراتر از چهارچوبی باشد که بدان اشاره کردم، اگر مسئله بر سر بازبینی حول "کارگران جهان متحد شوید" است، بحث بر سر "تلاش" برای جایگزین کردن شعار "کارگران ایران متحد شوید" به عنوان یک اصل و هویت کارگری "ایرانی" با شعار شناخته شده بین المللی "کارگران جهان متحد شوید" است، آن را تلاشی ناموفق و در عین حال بی ربط به امر مبارزه و سنت و همبستگی جهانی و طبقاتی کارگران میدانم و با آن مخالف هستم...»

یا در ادامه میخوانیم که «... در واقع خصلت جهانی مبارزه طبقاتی و رسالت کمونیستی و کارگری طبقه کارگر علیه بورژوازی، که تماماً خصلت جهانی دارد، فدای "نظریه پردازی" کوتاه بینانه و داستان شناخته شده و قدیمی "اول مبارزه در کشور خود" یا "سوسیالیسم در یک کشور" خواهد شد. در پی چنین تلاشی، مستقل از نیت طرح کننده، قبل از هر چیزی رسالت طبقاتی و جهانی جنبش سوسیالیستی کارگری، از جمله در ایران، که متکی به همبستگی جهانی طبقه کارگر و نفی کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است عملاً حاشیه ای خواهد شد و کنار گذاشته میشود...»

و باز چنین ادامه میدهد که «اگر کسی امروز بطور کلی و بدون توجه به نکاتی که در ابتدا گفتم، خواهان جایگزینی شعار "کارگران ایران متحد شوید" با "کارگران جهان متحد شوید" باشد، دیر یا زود و در تند پیچ بعدی با همان "منطق" خواهان جایگزینی "کارگران کردستان متحد شوید"، یا "کارگران آذربایجان متحد شوید" با همین "کارگران ایران متحد شوید" کنونی خود نیز خواهد شود. ...».

تا اینجا نقل قول آوردن کافی است و بهتر است تا خوانندگان، دوباره به خود پاسخهای رفقا مراجعه نمایند.

ملاحظات بر خوانش رفقا از موضوع

من متعجبم از اینکه رفقا بحث "جایگزینی" را به میان آورده اند و مرتباً به این اشاره کرده اند که من طرح شعار «کارگران ایران متحد شوید» را به معنی جایگزینی شعار استراتژیک "کارگران جهان متحد شوید" بکار برده ام. این درک نادرست و وارونه جلوه دادن بحث برای بی اهمیت کردن آن است، والا من کجا از جایگزینی سخنی به میان آورده ام؟

بحث من نه جایگزینی یک شعار بجای شعار دیگر، بلکه این بوده که شعار «کارگران ایران متحد شوید» بعنوان زیر مجموعه و تکمیل کننده شعار اصلی طرح شده است. از آنجاییکه شعار کارگران جهان متحد شوید، یک شعار استراتژیک و اما در این اوضاع سیاسی و طبقاتی بین المللی دور دست می نماید، ضروری است تا ملزومات و مکانیسم تحقق آن به میان آورده شود. مکانیسم تحقق شعار کارگران جهان متحد شوید، اتحاد و متشکل شدن کارگران در سطح کشورهای مختلف است. برای ما مستقیماً یعنی ایران، و برای کارگران افغانستانی و ترکیه، یعنی کشورهای مربوطه. سپس این کارگران متشکل شده این کشورها هستند که میتوانند با ایجاد شبکه های ارتباطی و همبستگی شرایط اتحاد وسیعتری را ایجاد نمایند. رفقا نمیخواهند این بیان ساده را به همین شکلی که بیان شده است، عنوان کنند.

نوشته رفقا مویید این نکته است که درک و نگرش حاکم بر شعار کارگران جهان متحد شوید، بیشتر عارفانه و خیالپردازانه است تا علمی. هر موضوع عملی نیازمند کار کارشناسانه است، ولی رفقای ما اکثراً ایدئولوژیک و سیاسی به موضوع پاسخ میدهند. رفقا تمایل ندارند تا تفاوت شرایط دوران مارکس و دوران حاضر را بررسی کنند...

بررسی اختصاری نقل قولها

رفیق صالحی مینویسد: « شعار کارگران جهان متحد شوید، برای کارگران جهان یک شعار جدانشدنی از مبارزه طبقاتی آنان است.»

« بنابر این تغییر این شعار به یک شعار کشوری یا منطقه ای غیر کمونیستی و غیر انترناسیونالیستی است.»

« استراتژی طبقه کارگر تصرف قدرت سیاسی و اقتصادی کل جهان سرمایه داری است.»

« بورژوازی در هر کشوری منافع ویژه خاص خود را دارد. اما طبقه کارگر در سراسر جهان منفعتی واحد، دشمن واحد و پیکاری واحد دارند. اما برای ما روشن و آشکار است که ابتدا طبقه کارگر هر کشوری باید با بورژوازی کشور خود تصفیه حساب کنند...»

«... آیا با تغییر دادن شعار کارگران جهان متحد شوید و به جای آن کارگران ایران متحد شوید، طبقه کارگر ایران از مشکلاتی که امروز به آن دچار شده خلاصی می یابد؟! »

«من در واقع نمیدانم طرح این شعار (کارگران ایران متحد شوید) برای چیست و با این شعار میشود چه چیزی را تغییر داد...»

«... چون ما میخواهیم هم جهانی فکر کنیم و هم جهانی مبارزه کنیم و استراتژی مبارزه طبقه کارگر هم جهانی است...»

همین حد مختصر از نظرات رفیق صالحی به اندازه کافی از تناقضات پایه ای رنج میبرند. از همین جمله اول پیداست که رفیق صالحی بیش از حد به کلمه «جهان» علاقه مند هستند و به همین دلیل جا و بیجا "جهان" را تکرار میکنند. اگر بگوییم که بایست یک رابطه منطقی بین کل و جزء وجود داشته باشد، رفیق صالحی با ذکر مکرر کل، جزء را نادیده می گیرد، حال آنکه هر کلی متشکل از اجزاء مختلف است و رابطه بین کل و جزء یکی از مسائل مهم مارکسیسم بشمار میرود.

رفیق صالحی از «بنابر این تغییر این شعار...» سخن میگوید، حال آنکه بحث بر سر تکمیل یک شعار کلی است و نه تغییر آن. اتحاد کارگران ایران و کشورهای دیگر، اجزاء لازم این کلیت اصلی یعنی اتحاد کارگران جهان را تشکیل میدهند. معلوم نیست که چرا رفیق صالحی طرح شعار کارگران ایران متحد شوید را غیر کمونیستی و غیر انترناسیونالیستی تفسیر مینمایند.

کسی میتواند سوال کند که سیاست و فعالیت کمونیستی و انترناسیونالیستی چیست؟ آیا میتوانید یک تعریف کلی از آن ارائه دهید تا بر آن مبنا قضاوت نمایید؟

رفیق صالحی استراتژی طبقه کارگر را تصرف قدرت سیاسی و اقتصادی کل جهان سرمایه داری تعریف میکند. و زمانی که از «کل جهان» سخن به میان میآورد، عملاً کشورها و کشور مشخص سرمایه داری را از گزند محفوظ میدارند. این معنی نه بر اساس نیت رفیق، بلکه بر مبنای معانی نظرات ایشان بدست داده میشود.

از سوی دیگر این استراتژی مورد اشاره رفیق صالحی را چه کسی صادر یا تصویب کرده است؟ آیا این استراتژی مورد بحث مصوبه انترناسیونال کارگران است؟ آیا فلان تشکل سراسری کارگری چنین حکمی صادر کرده است (کدام تشکل)؟ منبع چنین حکمی کجاست؟

رفیق صالحی منافع کشوری برای بورژوازی قائل است، اما به طبقه کارگر میرسد آنان را به منافع جهانی (جهان متشتت، متمیز شده و پراکنده) حواله مینمایند. و این نظر درست همان چیزی ست که ایدئولوگ های بورژوازی به انحاء مختلف در صدد القاء و تحمیل آن به توده های کارگر و زحمتکش هستند. تضاد کار و سرمایه در هر کشوری، در هر شهر و کارخانه و شرکتی، هر جا که کارگر و کارفرما وجود داشته باشد در جریان است. حال این تضاد در همه جای این کره زمین، در یک سطح قرار ندارند. کشورهای صنعتی سرمایه داری (مثل کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی) با کشورهای در حال توسعه در دو سطح و دو وضعیت متفاوت قرار دارند.

رشد ناموزون سرمایه داری، باعث بوجود آمدن کشورهای "شمال و جنوب" (ثروتمند و فقیر) یا کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در حال توسعه شده است. این "جهان" مد نظر رفیق صالحی طوری تجزیه شده و به قطبهای مختلف سرمایه داری تقسیم شده است که طبقه کارگر را نیز در همان سطح به همین وضعیت دچار ساخته است.

با همین روایتها، یا به عبارت دیگر وارونه کردن اصل مطلب است که رفیق صالحی را به سوال نادرست میرساند که: "آیا با تغییر دادن شعار کارگران جهان متحد شوید و به جای آن کارگران ایران متحد شوید، طبقه کارگر ایران از مشکلاتی که امروز به آن دچار شده خلاصی می یابد؟!"

اولین مشکل اینجاست که من بحثی از تغییر شعار به میان نیاورده بودم. من از "اضافه کردن" و "تکمیل کردن" صحبت کرده بودم.

دومین مسئله اینست که با این شکل مد نظر رفیق صالحی، حتی تلاش برای اتحاد طبقه کارگر ایران هم کم ارزش جلوه داده شده و عملاً سیاست، نقشه عمل و فعالیتی حول آن تعریف نمیشود. زیرا از همان اول حکم مبنی بر نادرست بودن شعار "کارگران ایران متحد شوید" صادر شده است.

خوب، حال من از رفیق صالحی و هر فعال دیگری می پرسم، اگر طبقه کارگر ایران واقعا متحد شود و همین شعار "کارگران ایران متحد شوید" جامه عمل بپوشد و همچنین اگر کارگران ایران دارای تشکل سراسری خویش شوند، آیا بخش بزرگی از مشکلاتی که امروز کارگران به آن دچار شده اند، خلاصی نمی یابند؟ واقعا تمام تلاش بورژوازی هم این نیست که کارگران به این اتحاد نرسند؟ تا این وضعیت فلاکتناک موجود کماکان ادامه یابد؟....

رفیق اصغری هم تا اندازه ای همان اشتباهات رفیق صالحی را، آنجا که بحث از این مینمایند که گویا من درخواست کرده ام تا شعار را تغییر دهند، مرتکب میشوند. و آنرا بمثابه سمی برای کارگران توصیف میکنند. رفیق زمانی به این استنتاج میرسند که او هم بیندیشند که مسئله تغییر شعار از جهانی به کشوری باشد، شاید آنهم بدون برقرار کردن ارتباط بین ایندو.

من هنوز با فهم این موضوع مسئله دارم که چرا رفقا کلمات "تکمیل کردن" و "زیر مجموعه" برای تحقق کردن اتحاد سراسری تری، را به "تغییر دادن شعار" به معنی طرح یکی و طرد دیگری، تبدیل میکنند؟

رفیق سلام زیجی، هرچند درک و نگرش نادرستی نسبت به قضیه دارند، اما مسئله مهم و مرکزی را به میان میکشند: «... در واقع خصلت جهانی مبارزه طبقاتی و رسالت کمونیستی و کارگری طبقه کارگر علیه بورژوازی، که تماماً خصلت جهانی دارد، فدای "نظریه پردازی" کوتاه بینانه و داستان شناخته شده و قدیمی "اول مبارزه در کشور خود" یا "سوسیالیسم در یک کشور" خواهد شد. در پی چنین تلاشی، مستقل از نیت طرح کننده، قبل از هر چیزی رسالت طبقاتی و جهانی جنبش سوسیالیستی کارگری، از جمله در ایران، که متکی به همبستگی جهانی طبقه کارگر و نفی کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید است عملاً حاشیه ای خواهد شد و کنار گذاشته میشود...»

واقعیت اینست که طرح شعار «کارگران ایران متحد شوید» رابطه مستقیم و نزدیکی با بحث سوسیالیسم در یک کشور دارد. و منطق همه کسانی که با سوسیالیسم در یک کشور موافق هستند، بایست با شعار «کارگران ایران متحد شوید» هم موافق باشند.

اما نظر رفیق سلام منطق انتظارات مرا به بن بست روبرو مینماید. زیرا بر خلاف انتظار با دیده تحقیر به سوسیالیسم در یک کشور می نگرد.

اما برخلاف نظریه رفیق زیجی، منصور حکمت در بحث "خطوط اصلی یک نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری در شوروی 1" صراحتاً می نویسد که:

«... در مورد بحث "سوسیالیسم در یک کشور" اظهار نظر صریح در باره چند مساله ضروری است. اولاً، به اعتقاد ما، از لحاظ نظری، مستقل از بحث شوروی، برقراری سوسیالیسم در یک کشور، یعنی برقراری مناسبات متکی بر مالکیت اشتراکی، لغو کارمزدی و منطبق با خطوطی که مارکس از آن بعنوان فاز پائینی کمونیسم حرف میزند، کاملاً امکانپذیر است، و نه فقط این، بلکه امری حیاتی در سرنوشت انقلاب کارگری است. برقراری سوسیالیسم وظیفه فوری و حیاتی هر طبقه کارگری است که قادر میشود در هر کشوری قدرت سیاسی را بدست بیاورد. ما آن دیدگاههایی را که به هر دلیل و توجیه، اعم از بحث "ضرورت انقلاب جهانی"، "عقب ماندگی روسیه"، "مرزبندی با استالینیسم و

ناسیونالیسم" و غیره، امر ایجاد یک اقتصاد سوسیالیستی متکی به مالکیت اشتراکی و لغو کارمزدی را از دستور پرولتاریای بقدرت رسیده در یک کشور خارج میکنند. آنرا به دوره ای دیگر حواله میدهند، مردود و غیر مارکسیستی میدانیم. ثانیاً، به اعتقاد ما، تمایزی که مارکس میان دو فاز کمونیسم تعریف میکند، تمایزی روشن و معتبر است که مستقیماً به بحث وظایف اقتصادی دیکتاتوری پرولتاریا مربوط می شود...» (برای مراجعه به کل بحث به بولتن مارکسیسم و مساله شوروی شماره 3، فروردین 1367، مراجعه نمایید)

موضوع جالب توجه اینست که من که نگرش و چندین مباحثه منصور حکمت را بعد از سال 1999 نقد کرده ام، در این بحث از نظرات منصور حکمت دفاع میکنم و آنرا درست دانسته و شخصاً هم سالهاست که بطور مستقل به همین نتیجه ای که در این نقل قول آمده، رسیده ام و به انحاء مختلف در تبلیغ آنها میکوشم. ولی رفیق زیجی که امروز خود را هم خط منصور حکمت میداند و یکی از رهبران حزبی است که خود را حکمتیست هم میدانند، اما درست 180 درجه خلاف مباحثات منصور حکمت نظر میدهند که انگار از آن مطلع نبوده یا فراموش کرده اند.

پس لازم نیست که رفیق زیجی پاسخ مرا بدهند، بلکه بایست موضع خود را نسبت به این مباحثات بسیار صریح منصور حکمت در سالهای 1360 بیان شده است روشن کنند. آنوقت بعداً بهتر میتوانیم به بحث بپردازیم.

نیاز طبقاتی زمانه به نوع دیگری از مراجعه به مارکس و سوسیالیسم

در یک تحلیل پایه ای، انسان حق دارد که نسبت به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود، آینده کار و زندگی انسان کارگر عمیقاً نگران باشد. زیرا سرمایه، علیرغم اینکه سخنگویان مختلف آن و حتی تصادم بین منافع سرمایه های مختلف هم وجود داشته باشد، به شرایط کار و زندگی کارگران تعرض کرده است، و در مقابل این تعرض وسیع سرمایه و دولتهای سرمایه داری، طبقه کارگر در حالت دفاعی محض قرار داشته و کارگران در سطح بین المللی و کشوری فاقد آن تشکلهای مستقل، طبقاتی و سیاسی خویش هستند که در مقابل این همه تعرض وسیع سرمایه، نه تنها از خود، کار و زندگی شان دفاع کنند، بلکه در عرصه ی سیاسی هم محقانه ظاهر شده و ادعای امور اجتماعی داشته باشند.

در سطح بین المللی کارگران فاقد انترناسیونال کارگری خویش هستند، که مبارزه کارگران در کشورهای مختلف را هماهنگ و.... نمایند. در سطح کشوری هم، که مشاهده کنیم، می بینیم که کارگران از هر لحاظ در وضعیت اسفناکی بسر میبرند. از لحاظ سیاسی وجود حکومت سرکوبگر و عدم وجود تشکل کارگری، باعث شده تا کارگران در تشتت و پراکندگی بسر ببرند و همزمان نیز خصوصیات بورژوائی فردگرایی، بی عملی و پاسیفیسم و منفعت پرستی و غیره رشد کنند.

در چنین شرایطی کمونیستها بایست خیلی آگاهانه به این شرایط اسفناک برخورد نمایند و دور از هر گونه خشک اندیشی ای برای تغییر وضعیت طبقاتی موجود طرح و برنامه های ارائه دهند که اجتماع را به جنبش واداشته و حرکتها را سمت و سو دهند.

جایگاه و تئوریهای مارکس بجای خود محفوظ است و نیاز مبارزه طبقاتی و وجود سرمایه داری باعث میشوند که ما همواره به مارکس و تئوریهای او نیاز داشته و مراجعه نماییم. ولی نکته ای که بایست مورد توجه جدی قرار گیرد، اینست که نه مارکس پیامبر بود و نه ما هم مذهبیبون متعصبی هستیم که نتوانیم نسبت به دنیای که در آن بسر میبریم اظهار نظر کنیم.

دنیای زمانه ما به نسبت دنیای دوران مارکس تفاوتهای زیادی کرده است. درست است که از نظر سیستمهای اقتصادی و اجتماعی، این سرمایه داری است که این دو دوران کاملاً متفاوت را به هم ربط میدهد، اما عدم توجه به این نکته پایه ای که همین نظام سرمایه داری دورانیهای مختلفی را پشت سر گذاشته، ما را عمیقاً به اشتباه می اندازد. دوران مارکس دوران کالایی نظام سرمایه داری بود، حال دوران ما عصر بالاترین و واقعاً بالاترین حد مرحله امپریالیستی دوران سرمایه داری است. ما به دوران لنین نزدیکتر هستیم تا دوران مارکس. حال از لحاظ طبقاتی جامعه کارگری هم در سطح کشوری و هم بین المللی به عقب نشینی واداشته شده است.

کمونیستها منطقاً نه خشک اندیش، بلکه بایست خلاقانی باشند که بتوانند متدلوژی مارکس را در شرایط جدید بکار بگیرند. کمونیستها بایست بتوانند تحلیل کنند و راه حل خود را به قضاوت گذاشته و حول به کرسی نشاندن آن راه حلها مبارزه کنند.

بحث و طرح «کارگران ایران متحد شوید» در همین راستاست. وقتی انترناسیونال کارگری وجود ندارد، خوب طبیعی است که کمونیستها کارگران کشورهای مختلف را به اتحاد ابتداء در سطح کشوری، سپس در سطح منطقه ای و بعداً بین المللی فراخوان داده و برای همین مبارزه کنند.

شما یا ما که در این وضعیت اسفناک بسر میبرید/میبریم، مخالفتتان با این شعار از لحاظ طبقاتی و سیاسی، مفهوم نیست. شما با این نظرات و توجیهاتتان عملاً رای به حفظ وضع موجود میدهید.

بله رفیق زیجی، من نه تنها موافق شعار «کارگران ایران متحد شوید» هستم، بلکه برافراشتن «کارگران کردستان متحد شوید»، «کارگران شرکت یا کارخانه ... متحد شوید»، کارگران هر جا که هستید متحد شوید را عمیقاً کمونیستی و سوسیالیستی ارزیابی کرده و برای آن بایست جمعاً بکوشیم.

یا رفیق صالحی، بله اتحاد کارگران ایران لازم است، تا آنها بتوانند در سطح کشوری و منطقه ای به قدرت تبدیل شوند و بتوانند در همین سطح هم قوانین کار و زندگی در همین سطح را تدوین نمایند. اگر کارگران به قدرت متشکل تبدیل نشوند، اوضاع خود بخود بسوی بهبودی تغییر نمی یابد.

آیا شما متوجه این مهم نیستید که این اتحادهای کارگری، حال در سطح کشوری یا محلی و حتی کارخانه ای، در واقع در بطن مبارزه و کشمکش طبقاتی کارگران و سرمایه داران و دولت آنان دارد روی میدهد و هر اندازه اتحاد کارگران در مبارزه علیه سرمایه داری و دولتهای آنان را حال در مقیاس کوچک هم که بوده باشد، بایست تقویت کرد؟؟

خلاصه کلام اینکه، تضادی بین شعارهای «کارگران ایران متحد شوید» و «کارگران جهان متحد شوید» وجود ندارد. اینها مکمل یکدیگر هستند و بایست به همین شیوه نیز به ایندو نگاه کرده شود. اگر کارگران ایران متحد نشوند و نتوانند تشکل سراسری خود را ایجاد کنند، اگر کارگران کشورهای دیگر نیز متحد نشده و تشکل خود را نداشته باشند، و ... سوال من اینست که این اتحاد بین المللی کارگران چگونه و با توسل به کدام مکانیسمی عملی میگردد؟؟

اتحاد بین المللی کارگران از طریق اتحاد کارگران در سطح کشورها میگذرد و این تشکل کارگران در کشورهای مختلف است بایست در صدد ایجاد بین الملل کارگران برآید، و نه احزاب سیاسی چپ. این مبارزه را نیابستی نیابتی انجام داد. هر چند وجود هر حزب سیاسی کمونیست و کارگری اهمیت خود را دارند اما احزاب سیاسی و تشکلهای کارگری هر کدام در جایگاه خود اهمیت دارند. حالا که احزاب سیاسی وجود دارند ولی تشکلهای کارگری وجود ندارند، احزاب سیاسی مدافع منافع کارگران بایست بکوشند تا اتفاقاً کارگران هم دارای تشکل محلی و سراسری خود شوند، تا بهتر بتوان مسئله تغییر تناسب قوا و حرکت به پیش به نفع کارگران و علیه این سیستم و حکومت سرکوبگر ... انجام داد.

پس شعار «کارگران ایران متحد شوید» را برای متحقق کردن «کارگران جهان متحد شوید» به پرچم مبارزاتی در ایران تبدیل نماییم.

«کارگران ایران متحد شوید»